

نظر آقای حاج مصورالملکی در باره هنر مینیاتور

نقاشی بتماشاچی القاء میکرده اند.

۳) نظر دیگری که از دو نظر فوق بحقیقت نزدیکترست چنین است. آفتاب تند مشرق زمین کلیه اشیاء را صریح و روشن و واضح بچشم ما جلوه میدهد. یعنی ما هم اشیاء دور و هم اشیاء نزدیک را صریح و واضح می بینیم و بهمین دلیل است که نقاش ایرانی ب فکر استفاده از قواعد دوری و نزدیکی نیفتاده است. اما نقاش غربی رعایت قواعد پرسپکتیو را مرهون هوای مه آلود و آفتاب بیرنگ خویش است و ابهام و عدم وضوح اشیاء دور در طبیعت باعث شده است که هنرمند غربی ابتدا خود بخود دوری و نزدیکی را رعایت کند و بعد ب فکر تدوین قواعد علمی پرسپکتیو بیافتد.

اما نظریه آقای مصورالملکی مینیاتورساز معاصر بنظر صحیح تر از نظرات فوق است و چنانکه ضمن مقاله ایشان دیده میشود ایشان اعتقاد دارند که چون جوهر و اصل اشیاء مورد توجه نقاش ایرانی است نه عرض آنها که در معرض تغییرات نور و تاریکی و دوری و نزدیکی است، این است که نقاش ایرانی عین اشیاء را همانگونه که در ذهن مجسم میکند میکشد و کاری بطرز قرار گرفتن اشیاء در طبیعت ندارد. اینک عین مقاله پر از خضوع بزرگوارانه آقای مصورالملکی.

راجع به مرقومه ای که در باره صنعت مینیاتور کارکنان این اداره مقاله از بنده خواسته بودند بنویسم. بنده کمترین از مقاله نوشتن کاملاً عاری و بی اطلاع هستم. دیگر آنکه راجع به نقاشی هر وقت درباره خود فکر میکنم به این نتیجه میرسم که هنوز نفهمیده ام که تفهمیده ام. بنده خود را کوچکتر از آن میدانم که بتوانم راجع به قواعد طبیعت در فن مینیاتور مقاله بنویسم. اکنون بنده خود را نسبت به فن نقاشی در عالم حیرت و سرگردانی می بینم.

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت

یکموی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر بکمال ذره ثنی راه نیافت

برای اینکه امریه جناب رئیس محترم را اجرا کرده باشم به این شرح ناقص مختصر مبادرت کردم. تا آنجائیکه با تجربیات ناقص خود از کارهای اساتید قدیم درک کرده ام اینست که معروض میشود. صنعت مینیاتور ایران فنی است علمی،

مقدمه بر سر مینیاتور ایرانی سخن بسیار رفته است اما این سخنان غالباً از زبان خاورشناسان و خبرگانی است که بختشان باری کرده است و در موزه های باختری و امریکائی سروکارشان با هنر ایرانی افتاده است. گنجینه های هنر ایرانی در این موزه ها منابع بسیار گرانبهائی برای هنرشناسان غربی بوده است و بجز آن میتوان گفت که برای آنان دشوار نبوده است که در باره این مجموعه های مدون و فراوان اظهار نظر بنمایند. اما مینیاتورسازان شکیبای ایرانی در برابر هنر شگرف و دنیا پسند خود معمولاً خاموش مانده اند و هنرشناسان هموطن آنها هم با علت عدم دسترسی با آثار نفیس آنها و یا بعقل دیگر در باره مینیاتور ایرانی کمتر اظهار عقیده کرده اند. اداره کنندگان مجله نقش و نگار مدت ها است که چشم تمنا ب هنرمندان و هنرشناسان ایرانی دوخته اند و بسیار بجا میدانند که خبرگان پرده از روی رازهای هنر مینیاتورسازی در ایران بردارند و چه بهتر که این موشکافی از جانب خود آنهائی باشد که دستی بقلم و ورنک دارند و در این مرحله تردست و ماهرند. برای اولین بار آقای حاج مصورالملکی مینیاتورساز بنام معاصر که در شهر زیبای اصفهان به افتخار مشغولندندای ما را پاسخ داده اند و پاسخ ایشان که حاوی نکات دقیق در باره مینیاتور ایرانی است در همین شماره عرضه میشود. چنانکه ملاحظه خواهد شد نظر آقای مصورالملکی

در باره علت عدم رعایت قواعد پرسپکتیو و سایه و روشن در مینیاتور ایرانی مخصوصاً بدیع و شایان توجه است. خاورشناسان و خبرگان غربی که در همین باره نظر داده اند به نتایج متفاوتی رسیده اند که در اینجا نخست ب خلاصه آراء آنها اشاره میکنیم و قضاوت نهائی در این باره را بمتخصصان فن وامیگذاریم.

۱) گروهی از هنرشناسان غربی اعتقاد دارند که چون نقاشان چین کار گاه نقاشی خود را بر بالای تپه نسبتاً کوتاهی مسلط و محیط بر کلیه اشیاء و مناظر طبیعی بر پا میداشته اند و از همانجا نقاشی میکردند طبعاً همه چیز را مسطح میدیدند و بنا بر این دوری و نزدیکی را چندان رعایت نمیکردند و این عدم رعایت پرسپکتیو بعداً در کلیه هنرهای شرقی تأثیر کرده است. این نظر البته بسیار بعید و نادانست مینماید.

۲) اعتقاد گروهی دیگر بدان است که ایرانیان دوری و نزدیکی را بوسیله گنجانیدن دو یا سه صحنه مختلف در تابلوی

خیالی، عشقی، زیبا، ظریف، لطیف، جذاب که هر بیننده تیرا
 مجذوب خود میسازد. فرح بخشی است که از دیدن آن غم
 از دل میزداید. دلربائیست که دل دلربایان عالم را میرباید
 وزیبائیست که زیبا رویان جهان فریفته و میباشند. این خطوط
 پرپیچ و خم تند و کند که از نوک کلک سحر آمیز نقاش
 مینیاتور ساز روی صفحات اجسام در گردش است رود هائیت
 که سرچشمه اش از دریای یکران روح و روانست و این
 دریا قطرهئی از قلم بی انتهای الطاف خداوندیست که مدد
 فیض در مغز و دماغ پراز ذوق و سلیقه نقاش مینیاتور ساز دائم
 در جریانست. مینیاتور از روح بر میخیزد و در روح می نشیند.
 حاصلیست که تخمش در زمین علم کاشته شده و از آب پاک
 روح آبیاری شده و در بر تونور خیال پرورش یافته و باداس کلک
 درو شده، بادست توانای مینیاتور ساز ساخته و پرداخته گشته
 و خوراک روح هر بیننده با ذوق میگردد. مینیاتور ساز هر نقشی
 را که میکشد اول از استاد بزرگ خود یعنی نقاشیکه صورت
 عالم وجود از نوک کلک قدرت او روی صفحه این جهان پراز نقش
 و نگار زیبا نقش بندی شده الهام گرفته پس از آن بکار میرد.
 — مینیاتور ایران علمیت خیالی که پایه و اساس آن
 از روی قواعد و اصول خلقت که اساس هر موجودی را تشکیل
 میدهد گرفته شده. بنابراین مینیاتور ساز نقش هر شیئی را
 که میکشد از روی علم به آن شیئی است نه از روی دیدن
 اشیاء. پس علم و خیال است که پایه و اساس مینیاتور را
 تشکیل میدهد نه آنکه قانون نظر از روی طبیعت. مینیاتور ساز
 ایرانی با دیدن اشیاء کاری ندارد و پیروز علم به قانون اشیاء
 است. ماشینی را که از نزدیک مشاهده میکنیم به همان اندازه
 صحیح اصلی خود او می بینیم ولی هر چه آن شیئی از نظر ما
 دور شود کوچکتر از اندازه خودش بنظر میآید. این قاعده
 در قانون مناظر و مرایا و تأثیر شعاع نور چشم است نه در قانون
 علم و خیال. در قانون مینیاتور بواسطه اینکه قانون مناظر
 و مرایا نیست از کوچک شدن اشیاء در دور نسبت به اشیائی که
 در نزدیک است پرهیز شده. بدلیل اینکه مناظر و مرایا بواسطه
 ساختمان چشم پدید میآید و علم و خیال از این قاعده مجراست.
 و چون مینیاتور ساز هر شیئی را از خیال و علم به آن شیئی میسازد
 و برای علم و خیال هم مناظر و مرایائی نیست آنچه را که
 در نزدیک ساخته شده در دور هم بهمان اندازه ساخته میشود.
 بجهت اینکه برای علم قرب و بعدی نیست. چون علم و خیال
 هر موجودی در دور و نزدیک بهمان اندازه اصلی خودش

تشخیص میدهد نه کوچکتر و نه بزرگتر.

— دیگر آنکه مینیاتور ساز شکل و ترکیب هر موجودی را
 با خطوط نشان میدهد نه با سایه و روشنی رنگ. و این خطوط
 دارای کلفتی و نازکی هستند نه خطیکه مثل مفتول بیک
 میزان باشد و این طریق خطرا تند و کند میگویند و بواسطه
 خطوط تند و کند، بیننده در مغز خود حس میکند که این
 دارای یک حجمی میباشد و اگر خطوط بیک کلفتی باشد انسان
 آن شکل را مسطح می بیند و حجم بنظر نمیآید.

— یکی از قوانین و اصول مینیاتور ایرانی اینست که
 سایه و روشنی در اجسام و محو شدن اشیاء در مسافت
 و انعکاسها و مناظر و مرایای هوائی و تغییرات رنگها
 بواسطه تراکم نور و هوا در مینیاتور ایرانی بکار نرفته؛
 بجهت اینکه اینها در اجسام عارض میشوند و ثابت نیستند
 و نقاش مینیاتور ساز پیرو جوهر است نه عرض.

— یکی دیگر اینکه ما هر شیئی را که از دور می بینیم از او
 بجز یک هیولائی چیز دیگر مشاهده نمیکنیم. برای اینکه تراکم
 هوا جزئیات اشیاء را از نظر ما محو و نابود میکند. ولی وقتی که
 آن شیئی را نزدیک چشم آوردیم تمام جزئیات آنرا مشاهده
 میکنیم. بنا بر این نقاش مینیاتور ساز با چشم علم و خیال اگر چه
 با فواصل دور هم که باشد جزئیات هر شیئی را می بیند و بکار
 میرد و چشم خیال است که جزئیات هر موجودی را در هر کجا
 که باشد از روی علم بطور دقیق بررسی میکند. اگر در پشت
 کوهی آدم، حیوان، درخت، عمارت یا هر شیئی دیگر ساخته
 شود تمام جزئیات آن بکار برده میشود. برای اینکه مینیاتور ساز
 با چشم خیال از روی علم به آنها نظر میکند نه با چشم سر.

— یکی دیگر از قوانین مینیاتور رنگ آمیز است. در رنگ
 آمیزی مینیاتور هر رنگی را که هر جسمی داراست عین همان
 رنگ بکار میرود. برای اینکه نور و سایه و اثر و هواست
 که رنگ اصلی را تغییر میدهد و اینها عارضی هستند نه ذاتی.
 پس در دور و نزدیک رنگ اصلی آن شیئی رنگ آمیزی
 میشود که علم تشخیص آنرا میدهد.

— یکی دیگر از رشته های مینیاتور ایرانی نقش
 اسلیمی و خطائیت. پایه و اساس این کار از روی قانون خلقت
 گرفته شده در صورتیکه هیچ شباهت به طبیعت ندارد. یعنی
 نقاش قاعده را از اصول خلقت گرفته و بصورت زیبایی در آورده
 بنا بر این در هر یک از رشته های مینیاتور این قاعده
 حکم فرماست.

حاج مصورالملکی